

امام سجاد (ع) و تربیت فرزند

ائمه طاهرين در تربيت فرزندان شان شيوه هاي مختلفي به كار مي بردند و در هر موقعيتي از شيوه اي مناسب بهره مي جستند.



پديد آورنده : علي همت بناري

ائمه طاهرين در تربيت فرزندان شان شيوه هاي مختلفي به كار مي بردند و در هر موقعيتي از شيوه اي مناسب بهره مي جستند. از سيره و سخنان امام ساجدين علي بن الحسين (ع) چنان برمي آيد كه آن حضرت از سه شيوه «تربيت الكويي«، «تربيت عملي« و «تربيت موعظه اي« بيشتر بهره مي بردند. الف) تربيت به شيوه الكويي تربيت به شيوه الكويي عبارت است از ارائه الكوهای مطمئن و شايسته براي اينكه فرزندان، رفتار و اخلاق آنها را سرمشق خويش قرار داده، در مسير تكامل و رشد بهتر، گام بردارند. بي ترديد والدين، به ويژه پدر، خود اولين الكوي فرزندان شان هستند و فرزندان رفتار و زندگي آنان را سرمشق خويش قرار مي دهند. واقعيت اين است كه والدين در امر تربيت چند دسته اند؛ برخي به كلي از وادي تربيت دورند و فقط در پي تأمين منافع حال و آينده خويشند. برخي به وادي تربيت قدم نهاده اند، اما راه و رسم تربيت را نمي دانند، گروهی به وادي تربيت قدم نهاده اند و راه و رسم تربيت را نيز تا حدودی می دانند ولی بی آنکه خود تربيت شده باشند، در پي آنند كه فرزندان شان تربيت شوند.

اندك والديني هم هستند كه ضمن فرا گرفتن راه و رسم زندگي، هم خود تربيت شده اند و هم به تربيت فرزندان شان اقدام مي كنند. در اين بحث، روي سخن ما با دسته سوم است كه تربيت نشده، در پي تربيت ديگرانند. بايد از سر سوز و با تمام وجود گفت كه زهي خيال باطل! چقدر اشتباه است كه والديني خود طعم شيرين عبادت را نچشیده، راز ارتباط با خالق را نيافته باشند و از فرزندان شان انتظار اين امور را داشته باشند. آنان كه عمر را به بطالت و جواني را به ردالت و سرمايه هاي مادي و معنوي را به خسارت در راه غير خدا داده اند، چگونه انتظار تربيت فرزندان نيك نام و صالح دارند؟

ذات نيافته از هستي بخش كي تواند كه شود هستي بخش امام سجاد (ع)، بر اساس تربيت به روش الكويي، خود نمونه اي كامل براي فرزندان بود و با رفتار و اعمال شايسته خويش فرزندان را به طور غير مستقيم و با زبان عمل تربيت مي كرد. آن بزرگوار، بيش از آنكه با سخن و گفتار به تربيت فرزندان اقدام كند، با عمل آنان را به فضيلت و پاكي دعوت مي كرد.

جالب آن است كه آن امام همام، كه به حق زينت عابدان و سرور ساجدان شهرت يافته است، در مواعظ و وصايای متعدّدش كمتر فرزندان را به عبادت و سجده سفارش مي كرد و گويـا عمل پيـوسته و دلنشين آن حضرت فرزندان را از هر سخن و موعظه اي در اين باره بي نياز مي ساخت. نمونه هايي از اعمال و رفتار حضرت، كه راهنمای تربيتي فرزندانـش بود، چنين است:

1 - صاحب «كشف الغمة« مي نويسد: آن حضرت دوست نداشت كسي در طهارت ياري اش كند. خودش براي وضو آب فراهم مي كرد و شب ها قبل از خوابيدن آب را آماده مي ساخت، در نيمه شب بيدار مي شد، ابتدا مسواك مي زد و بعد وضو مي گرفت و نماز مي خواند.

نمازهاي مستحبي كه در روز از او فوت مي شد، شب قضاء مي كرد و مي فرمود: فرزندانم، اين نمازها بر شما واجب نيست؛ ولي دوست دارم هر كدام از شما كه نفسش را بر كار خير عادت داد، بر آن مداومت ورزد. (1)

2 - سعيد بن كلثوم مي گويد: من نزد جعفر بن محمد (ع) بودم كه از اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب ياد کرده، او را به آنچه سزاوار بود ستايش كرد و فرمود: ... هيچ يك از فرزندانـش در لباس و فقه از علي بن حسين به او شبیه تر نيست. فرزندش ابوجعفر بر او وارد شد. او به قدری عبادت کرده بود كه کسی قادر بر آن نبود. ابوجعفر مي گويد: او را مشاهده كردم در حالي كه رنگش در اثر بيداري زرد شده و چشمهايش در اثر گريه زياد، بسيار گرم شده بود. پيشاني اش بالا آمده و پرهـاي بيني اش در اثر سجده گسسته شده بود. و ساقها و قدمهايش به سبب ايستادن در حال نماز ورم کرده بود.

وقتي او را در اين حال ديدم، نتوانستم گريه خود را كنترل كنم و برايش گريستم. او در حال تفكر بود.

اندكي پس از ورودم، متوجه من شد و فرمود: فرزندم، بعضي از صحيفه هايي را كه در آن عبادت علي (ع) ثبت شده، به من بده. آنها را به او دادم. مقدار كمی از آنها را قرائت كرد. سپس با اندوه آنها را رها كرد و فرمود: چه كسي بر عبادت علي بن ابي طالب قادر خواهد بود. (2)

3 - جابر جعفي از امام باقر (ع) چنين نقل كرد: پدرم علي بن حسين (ع) نعمتي از پروردگار را ياد نمي كرد، مگر آنكه سجده مي كرد؛ آيه اي از آيات سجده را تلاوت نمي كرد، مگر آنكه سجده مي كرد، خداوند هيچ بلاي ترسناك و كيد دشمني را از او دفع نمي كرد، مگر اينكه سجده مي كرد؛ از هيچ نماز واجبي فارغ نمي شد، مگر آنكه سجده مي كرد؛ هيچ اصلاح و آشتي بين دو نفر ايجاد نمي كرد، مگر آنكه به خاطر موفقيت در آن سجده مي كرد؛ اثر سجده در تمام مواضع سجود او نمايان بود و بدین علت او را «سجاد« ناميده اند. (3)

- 4 - امام باقر(ع) فرمود: علی بن حسین(ع) شبها کیسه نان را بر دوشش می گذاشت و [به مستمندان] صدقه می داد.
- 5 - آن حضرت همچنین فرمود: پدرم علی بن الحسین(ع) اموالش را دو بار [بین مستمندان] تقسیم کرد. (5)
- ب) تربیت شیوه عملی امام چهارم(ع) با واگذاری مسئولیت به فرزندان، شرکت دادن آنها در فعالیتهای پسندیده و بردن آنها به مجالس و مکانهای مناسب به طور عملی به تربیت آنان می پرداخت و بر کار آنان نظارت می کرد. در اینجا به جلوه هایی از این شیوه اشاره می کنیم: 1- آموزش احترام به بزرگترها ابن زبیر محمد بن مسلم مکی می گوید:
- &171#;ما نزد جابر بن عبدالله بودیم که علی بن حسین(ع) در حالی که فرزند خردسالش محمد(ع) همراهش بود، نزد جابر آمد. علی بن حسین به فرزندش فرمود:
- &171#;قبل رأس عمک « صورت عمویت [جابر] را ببوس.
- محمد بن علی(ع) نزد جابر آمد و صورت او را بوسید. جابر که نابینا بود، پرسید: او کیست؟
- علی بن حسین(ع) فرمود: پسر محمد است.
- جابر محمد را در آغوش گرفت و گفت ای محمد، رسول خدا(ص) تو را سلام می رساند.
- به او گفتند:
- ای جابر، چگونه رسول خدا(ص) سلام می رساند؟! گفت: من نزد رسول خدا(ص) بودم و حسین(ع) در آغوشش بود و با او بازی می کرد. به من فرمود: ای جابر، برای فرزندم حسین(ع) فرزندی خواهد بود که او را علی می نامند، وقتی روز قیامت برپا شد منادی ندا می دهد که سرور عابدان برخیزد و علی بن حسین(ع) برمی خیزد.
- برای علی فرزندی خواهد بود که نامش محمد است؛ ای جابر، هر گاه او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان ... ». (6)
- 2 - همراهی در محکمه قضاوت
- ابوبصیر نقل کرده است:
- &171#;ابوجعفر(ع) به من فرمود: زنی از خوارج - که گمان می کنم فرمود از بنی حنیفه است - نزد پدرم بود. یکی از دوستان پدرم به او گفت:
- ای پسر رسول خدا(ص)، نزد تو زنی است که از جدت [علی(ع)] براءت می جوید.
- پدرم او را طلاق داد.
- او ادعای مهر کرد [ظاهرا حضرت قبلا مهرش را پرداخته بود] و نزد حاکم مدینه از پدرم شکایت کرد.
- حاکم مدینه به پدرم گفت: ای علی [بن حسین]، یا سوگند یاد کن و یا مهرش را بده.
- پدرم به من [که همراه او در محکمه بودم] فرمود: فرزندم، چهار صد دینار به او بده. گفتم: ای پدر، فدایت گردم؛ مگر حق با تو نیست؟
- فرمود: آری فرزندم؛ ولی خداوند را جلیل تر از آن می دانم که به او سوگند یاد کنم. « (7)
- پی نوشتها:
- 1 - کشف الغمة، ج 2، ص 287.
- 2- الارشاد، ص 256؛ بحار، ج 46، ص 74 و 75؛ کشف الغمة، ترجمه آقای حسینی زواری، ج 2، ص 279.
- 3- حلیة الأبرار، ج 2، ص 13 و 14؛ بحارالأنوار، ج 46، ص 99.
- 4- مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 153.
- 5- همان، ص 154.
- 6- کشف الغمة، ج 2، ص 331.
- 7- حلیة الأبرار، ج 2، ص 2 و 21.